

اسرائیل به ایران حمله نخواهد کرد

نویسنده: یوری آونری بروگردان از: م. سوش



خود من داند.

روز چهارشنبه، سیلی از خبرها به پیرون درز کرد، اسرائیل موشکی را آزمایش کرد که می‌تواند یک بمب هسته‌ای را ۵۰۰۰ کیلومتر دورتر، که خودمان بهتر می‌دانیم کجاست، پرتاب کند و تیروی هوایی ما تمثیلاتی را در «ساردین» در فاصله ای بزرگتر، که خودمان بهتر می‌دانیم کجاست، انجام داد روز پنج شنبه نیز در تل اویو تمثیلاتی آزمایشی را همراه با آذیزهایی که صدای آن تا دوردست‌ها می‌رفت انجام داد به نظر می‌رسد که همه این جار و جنجال‌ها یک ترند است که شاید هدف آن ترساندن و منع کردن ایرانی‌ها باشد و یا شاید تحت فشار قراردادن آمریکایی‌ها برای انجام اقدامات افراطی تر و یا شاید هم همکاری پوشایش با آمریکایی‌ها باشد. (منابع انگلیسی نیز فاش کردند که نیروی دریایی سلطنتی برای حمایت از حمله آمریکا به ایران مشغول انجام تمثیلات نظامی است). این شکرده قدیمی اسرائیل است که هر زمان به سوش می‌زند وارد عمل می‌شود. ما نباید بیش از این تابع آمریکا باشیم. ما باید بمباران کنیم.

بسیار خوبه اجازه دهید برای یک لحظه هم که شده جدی باشیم: اسرائیل به ایران حمله نخواهد کرد همین و بس.

ممکن است برخی تصور کنند که من قصد دارم خودم را به دردسر بیندازم. آیا من نباید به جمله بالا حداقل واژه‌های «احتمالاً» یا «تقریباً» به طور قطعی را اضافه کنم؟ نه من چنین کاری نخواهم کرد. من با قاطعیت تکرار می‌کنم که: اسرائیل به ایران حمله نخواهد کرد.

از زمان ماجراجوی کاتال سوتز در سال ۱۹۵۶، هنگامی که رئیس جمهور آیزنهاور در مورد توقف عملیات اوتیماتم داد، اسرائیل هیچ‌گونه اقدام نظامی مهمی را بدون جلب رضایت قبلی آمریکا انجام نداده است.

آمریکا تنها حامی مورد اعتماد اسرائیل در جهان است. نابودی این رابطه به معنای بریدن رشته زندگی ماست. کسی که چنین کاری کند فقط یک دیوانه زنجیری است. علاوه بر این اسرائیل بدون حمایت بی‌حد و اندازه آمریکا نمی‌تواند وارد جنگ شود زیرا هوابیها و

یوروآونری نویسنده و وزیرنالیست اسرائیلی، بنیانگذار جنبش «صلح» اسرائیل (Gush shalom) و عضو سابق کنست است. وی در مقاله ای با عنوان «اسرائیل به ایران حمله نخواهد کرد همین و بس» می‌نویسد: «همه این صحنه را از دوران مدرسه به یاد دارند: پسریچه ای با پسری بزرگتر از خودش دعوا می‌کند، پسریچه با فریاد به دوستان خود می‌گوید: «قبل از این که استخوان‌های اوراخرد کنم جلوی مرا بگیرید!» به نظر می‌رسد شیوه رفتار دولت اسرائیل هم همانند این پسریچه است. دولت هر روز از تمام شبکه‌های تلویزیونی فریاد می‌زنند که همین الان می‌خواهد استخوان‌های ایران را خود کند. اسرائیل می‌گوید ایران کم به سوی تولید بمب هسته‌ای پیش می‌رود. ما چنین اجازه ای به آنها نمی‌دهیم. بنابراین ما باید با بمب آنها را تکه تکه بکنیم.

بنیامین نتانیاهو در هریک از سخنرانی‌های بی شمار خود از جمله سخنرانی افتتاحیه در فصل زمستان در «کنست»، از حمله به ایران سخن گفت. ایهود باراک و هر مفسر محترم (ایا تاکتون فردی مفسر غیرمحترم دیده است؟) درباره این موضوع مطلب می‌نویسد. رسانه‌ها نیز این گفتارها و خشم و غصب‌ها را تقویت می‌کنند. روزنامه «هاآرتس» نیز در صفحه اول خود عکس هفت نفر (گروه هفت نفری امنیتی) از وزرا را به صورت بزرگ چاپ می‌کند و سه نفر از آنها را موافق و چهار نفر دیگر را مخالف جنگ با ایران نشان می‌دهد. یک ضرب المثل آلمانی می‌گوید: «انقلابی که پوشایش خبرش را بدنه اتفاق نخواهد افتاد». همین ضرب المثل درباره روی دادن جنگ‌ها نیز به کار می‌رود. امور هسته‌ای همیشه مشمول سانسور نظامی بسیار شدیدی است. خیلی خیلی شدید. اما حالا گویا این سانسور جی مهربان شده است. حالا به این پسریچه‌ها، از جمله نخست وزیر و وزیر دفاع اجازه دهید که مشغول بازیشان باشند. منیر داکان رئیس محترم سابق موساد، علناً درباره حمله به ایران هشدار داد و آن را «احمقانه ترین ایده ای» توصیف کرد که تا به حال شنیده است. او گفت که با توجه به برنامه‌های نتانیاهو و باراک، هشدار دادن درباره حمله به ایران را وظیفه

می رسد. آشکارا گفته شده است که اگر ایران از کلاهک های هسته ای اشن (که هنوز وجود خارجی ندارد) علیه ما استفاده کنند، این زیردریایی ها توانایی «تهاجم دوم» هسته ای را به ما خواهد داد. اما ایرانی ها ممکن است از تسليحات شیمیایی و دیگر تسليحات کشتار جمعی استفاده کنند. این اقدام هزینه سیاسی دارد. تنش های بسیاری در دنیای اسلام وجود دارد. ایران در بسیاری از بخش های آن آنچنان محبویتی ندارد. اما حمله اسرائیل به کشوری که دارای اکثریت تعداد مسلمانان است، بالاصله سبب اتحاد شیعه و سنی می شود، از مصر و ترکیه گرفته تا پاکستان و فراتر از آن. در نتیجه اسرائیل تبدیل به ولایتی در یک جنگل در حال سوختن می شود. اما بحث درباره جنگ در خدمت بسیاری از اهداف از جمله داخلی، و سیاسی آنهاست.

شبنه گذشته، جنبش اعتراضی برای عدالت اجتماعی در اسرائیل دوباره جان گرفت. پس از وقفه دو ماهه، توهه های مردم در میدان رابین در تل اوبو گرد هم آمدند. این تظاهرات بسیار چشمگیر بود. چرا که در همان روز راکت های بسیاری روی شهرهای نزدیک غزه پرتاب شد. تاکنون، در چنین شرایط مشابهی، همواره تظاهرات را لغو می کردند. مشکلات امنیتی همه چیز را به فراموشی می سپرد. ولی نه این بار.

همچنین، بسیاری از مردم گمان می کردند که هیاهوی جشن گیلاند شایست، اعتراض را از ذهن مودم زدده است. ولی اشتباه کرده بودند. به راستی، اتفاق قابل ملاحظه ای روی داده بود: رسانه ها که ماه ها از کنار جنبش اعتراضی گذشته اند، تغییر رویه دادند. ناگهان همه آنها، از جمله هآلرتسن، به قول معروف، به خود خنجر زدند. برای مثال، همه روزنامه ها روز بعد نوشتند که «بیش از ۲۰ هزار نفر» در تظاهرات شرکت داشتند. بسیار خوب، من هم آن جا بودم و من هم در این مورد ایده هایی دارم. در این تظاهرات، دست کم صدهزار نفر شرکت داشتند و بیشتر آنها جوان بودند. من به سختی می توانستم حرکت کنم.

برخلاف ادعای رسانه ها، تظاهرات تحلیل نرفته است. بر عکس. اما چه از این بهتر که برای خارج کردن عدالت اجتماعی از ذهن مردم، درباره «خطر موجودیت» صحبت کرد؟ به علاوه، اصلاحات درخواستی معتبرضان به بول نیاز دارد. در چشم انداز بحران جهانی مالی، دولت اسرائیل سرسختانه با افزایش بودجه دولت مخالفت می کند چرا که می ترسند به درجه اعتباری کشور صدمه بزنند.

بنابراین، از کجا باید بول بیدا کرد؟ فقط سه منبع معتبر وجود دارد: از شهرک های مسکونی (چه کسی جرئت را دارد؟)، ارتکس مذهبی (ایضا!) و بودجه کلان نظامی.

ولی در آستانه مهمترین جنگ در تاریخ ما، چه کسی جرئت دارد که به بودجه نیروهای مسلح دست بزنند؟ ما برای خرید هواپیمای بیشتر، بمب بیشتر، زیردریایی بیشتر به شکل (Shekel؛ واحد بول اسرائیل)، بیشتری نیاز داریم. افسوس، مدرسه ها و بیمارستان ها باید صبر کنند. پس خدا محمود احمدی نژاد را حفظ کند. بدون او ما چه می کردیم؟

بمب های ما از آمریکا وارد می شود. در طول جنگ ما نیازمند تدارکات، قطعات یدکی و انواع گوناگون تجهیزات خواهیم بود. در طول جنگ yom kippur، هنری کسینجر به طور شباهه روزی، «کمک رسانی می کرد. و آن جنگ در مقایسه با جنگ علیه ایران شیوه یک پیک نیک بود.

اجازه دهید نگاهی به نقشه بیندازیم که قبل از آغاز هر جنگی بدان توصیه شده است.

اولین چیزی که به چشم می خورد تنگه باریک هرمز است که یک سوم ذخایر نفتی جهان از این تنگه عبور می کند. تقریباً کل محصول عربستان سعودی، کشورهای حوزه خلیج فارس، عراق و ایران از طریق این مسیر دریایی باریک جا به جا می شود. کل عرض این آبراه تقريباً ۳۵ کیلومتر است یعنی تقریباً برابر با فاصله غزه تا پیرشوا (Beer sheva) است که راکت های ابتدایی جهاد اسلامی چند روز پیش از آن عبور کرد. هنگامی که اولین هواپیمای اسرائیلی وارد حریم هوایی ایران شود، این مسیر بسته خواهد شد. نیروی دریایی ایران دارای تعداد زیادی قایقهای موشک انداز است. اما این قایق ها لازم نخواهد شد چرا که موشک های زمینی این کشور کفایت می کند.

دنیا تقریباً در آستانه سقوط قرار دارد. یونان کوچک در معوض فروپاشی است و بخش عمده اقتصاد جهان درگیر آن است. حذف تقریباً یک پنجم ذخیره نفت کشورهای صنعتی منجر به فاجعه ای می شود که حتی تصور آن نیز دشوار است.

به زور باز کردن این تنگه مستلزم عملیات نظامی گسترده ای است. عملیاتی که تمام بداقبالی های آمریکا در عراق و افغانستان را تحت الشعام خود قرار می دهد. آیا آمریکا توانایی انجام این کار را دارد؟ آیا ناتواز پس این کار بر می آید؟ از اسرائیل که بعید است.

در یک نمایش نادر اتحاد، تمام رؤسای سرویس اطلاعات اسرائیل از جمله رؤسای موساد و شین بت (Shin Bet) علناً و به طور کلی با این عقیده مخالف هستند. می توانیم حدس بزنیم که چرا! من اصلاً نمی دانم که آیا انجام این عملیات ممکن است یا نه. ایران یک کشور بسیار بزرگ است، تقریباً به بزرگی آلاسکا. تأسیسات هسته ای این کشور به طور وسیعی گسترده شده اند و قسمت عظیم و عمده آن در زیر زمین قرار دارد. حتی با استفاده از بمب های ویژه نفوذی آمریکا ممکن است این عملیات به مدت چند ماه فقط تلاش های ایران را به تأخیر بیندازد. هزینه این دستاوردهای ناچیز ممکن است بسیار گزاف باشد.

علاوه بر این، کاملاً قطعی است که با آغاز جنگ، اسرائیل از طرف ایران موشک باران خواهد شد؛ نه تنها از طرف ایران بلکه از طرف حزب الله و شاید حمالن. ما دفاع مناسبی برای شهرهای خودمان نداریم و میزان کشتار و ویرانی سرسام آور خواهد بود.

ناگهان، رسانه ها شروع به داستان سرایی درباره سه زیردریایی می باشند که اگر آلمانی ها لطف کنند تعداد آنها به ۵ یا حتی ۶ تا

انتشارات عاشقانه تقدیم می‌کند:

The Iranian Yellow Pages & Directory of Texas



بلوچ جیبی عاشقانه

همراه با نعم و دفترچه تلفن



۹

نعم دیواری عاشقانه

(۱۳۹۱ - ۲۰۱۲)

با تیراژی بالا

در ایام نوروز ۱۳۹۱ منتشر می‌شوند

چرا نام و آکمی سعل شما در بلوچ جیبی و نعم دیواری عاشقانه نباشد؟

برای درج آکمی هر چه زودتر با ما تماس بگیرید

آخرین مهلت درج آکمی ۱۵ فوریه می باشد

S

713-973-8686

Call us Today to place your Ad!

www.Asheghaneh.com